

گفت‌وگو با مجرمی که با داروهای کمیاب کلاهبرداری می‌کرد

کلاهبرداری با دفترچه‌های اجاره‌ای

دسترچه‌هایی را که دارو داخل آن می‌نوشتید، از کجا آورده بودید؟

آنها را از افرادی که نیاز به پول داشتند، اجاره می‌کردیم. از چه کسانی و به چه مبلغی این دفترچه را اجاره می‌کردید؟ برای دو ماه، هر دفترچه را حدود چهار تا پنج میلیون تومان اجاره می‌کردیم. پیدا کردن این افراد نیازمند که اکثر ساکن جنوب تهران یا حاشیه شهر هستند، کار سختی نبود. کافی بود یک‌بار در یکی از این مناطق پرسه بزنیم، یکی دو نفر را پیدا می‌کردیم. به یکی از دارندگان دفترچه‌ها که چهار میلیون تومان می‌دادیم او خودش برایمان افراد دیگر را پیدا می‌کرد. به این صورت که به دوست و آشنا و فامیل می‌گفت و هر کسی که می‌خواست، به ما مراجعه می‌کرد تا دفترچه‌شان را اجاره دهند. یکی از دوستانم نقش واسطه داشت و این افراد را شناسایی و دفترچه‌هایشان را اجاره می‌کرد.

این شرگرد چطوری به ذهنتان خطور کرد؟ ما افرادی با تحصیلات پایین هستیم و مدت‌هاست در بازار قاچاق و خرید و فروش دارو هستیم. می‌دانیم یک سری داروهای خاص، بازار فروش بالایی دارند و فردی که به این داروها نیاز دارد حاضر است برای به دست آوردن آن هر مبلغی را بدهد. از طرفی افرادی که دفترچه‌هایشان را اجاره می‌کردیم مشکل مالی داشتند و مبالغی که مادر اختیارشان قرار می‌دادیم، قابل توجه بود. همه اینها را کنار هم قرار دادیم و تصمیم به اجرای نقشه‌مان گرفتیم. عذاب وجدان نداشتی که از این طریق پول به دست می‌آوری؟ (متهم جوان سکوت می‌کند.)



عکس تزیینی است

دریافت کنیم. این طوری هم پولی که به داروخانه داده بودیم تا داروها را بگیریم، به دست می‌آوردیم هم داروها را در بازار آزاد می‌فروختیم.

چطور لورفتید؟ شرکت بیمه متوجه می‌شود مدتی است داروهای خاص خیلی زیاد تجویز می‌شود و به همین دلیل به این موضوع مشکوک می‌شود. در استعلامات صورت‌گرفته از سوی نظام پزشکی معلوم می‌شود نه تنها پزشک‌هایی با مشخصاتی که مهرشان پای نسخه‌ها زده شده، هویت خارجی ندارند بلکه مهرهای پای این نسخه‌ها نیز جعلی است.

چطور دستگیر شدید؟ با فاش شدن این موضوع، پلیس وارد عمل شد و زمانی که برای انجام کارهای بیمه به دفتر بیمه رفته بودیم، دستگیر شدیم.

چند مرد جوان که مدت‌هاست در کار قاچاق و خرید و فروش داروهای خاص در بازار آزاد بودند، تصمیم گرفتند با شگردی خاص و عجیب، داروهای خاص را به دست آورند و در بازار آزاد به بالاترین قیمت بفروشند. اما طمع این افراد به این پول‌ها ختم نشد و تصمیم گرفتند برای گرفتن پول داروها به اداره بیمه بروند که همین مساله دستشان را رو کرد و آنها را به دام پلیس انداخت. این هفته رو در روی یکی از اعضای این باند نشسته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

اجاره دفترچه بیمه، شگرد کلاهبرداری هایتان بوده، توضیح می‌دهی؟

داخل دفترچه‌های بیمه‌ای که اجاره کرده بودیم، داروهای کمیاب و نادر را می‌نوشتیم. بعد مهرهای جعلی را که از پزشکانی که هویت نداشتند و خودمان درست کرده بودیم، پای این نسخه‌ها می‌زدیم. باقی کار هم راحت بود به داروخانه می‌رفتیم و این داروهای نایاب و کمیاب و بی‌شک گران‌قیمت را از داروخانه می‌گرفتیم.

با داروها چه می‌کردید؟ ما خودمان دلال داروها هستیم و می‌دانیم چه داروهایی در بازار خریدار دارد، آنها را در بازار آزاد به مبلغی بالاتر از مبلغ خرید می‌فروختیم.

اما شما به همین پول اکتفا نمی‌کردید و سراغ بیمه هم می‌رفتید؟

همین مساله هم باعث لو رفتن ما شد. ما برگه‌های بیمه را به مراکز بیمه می‌دادیم تا پول داروها را از طریق بیمه

قتل زن فقیر برای رابطه شوم

محاکمه هفته

و هیچ وقت سراغ دخترش را نگرفت. پرونده این جنایت همچنان سر به مهر باقی مانده بود تا اینکه ماموران، سارق موتوری به نام احمد را دستگیر کردند. او در جریان بازجویی‌ها به قتل زنی اعتراف کرد که با بررسی اعترافاتش مشخص شد، این زن همان پریا بوده است. احمد به ماموران گفت: همراه چهار نفر دیگر از اقوامم که از اتباع یکی از کشورها هستند پریا را کشتیم. او را به خانه مان دعوت کرده و به او پیشنهاد رابطه دادیم که مخالفت کرد. با او درگیر شده و برای اینکه سر و صدا نکند، خفه‌اش کردیم. بعد هم جسدش را در کانال آبی رها کرده و فرار کردیم.

ماموران در ادامه دو متهم دیگر این پرونده را دستگیر کردند اما ردی از دو متهم دیگر به دست نیامد. متهمان در جریان تحقیقات منکر قتل شده و قتل را گردن یکدیگر انداختند. در نهایت هم مدعی شدند، قاتلان پریا دو متهم فراری پرونده هستند. به دلیل اینکه هیچ ردی از دو متهم پرونده در دست نبود، برای سه متهم دستگیر شده کیفرخواست صادر شد و پرونده برای محاکمه به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد.



دخترش در یک ساختمان متروکه در حاشیه شهر زندگی می‌کردند. یک روز پریا که حالش بد بود و از شدت فقر دیگر نمی‌توانست کاری کند بچه‌اش را نزد من و همسرم آورد و گفت شما از این بچه نگهداری کنید. ما از وضعیتی که این بچه دچارش بود خیلی ناراحت بودیم به همین خاطر قبول کردیم سانا را بزرگ کنیم. در این مدت هم سانا برای ما مثل فرزند خودمان بود و در حد توان نیازهایش را برطرف می‌کردیم. پریا بعد از اینکه فرزندش را به ما سپرد، ناپدید شد

دختر بچه‌ای داشته که او را به زوجی سپرده تا از دخترش نگهداری کنند. ماموران سراغ این زوج رفته که آنها اعلام کردند: پریا با مشکل مالی شدیدی رو به رو بود. به همین خاطر توان نگهداری از دخترش را نداشت. او وقتی فهمید وضع مالی ما بد نیست و می‌توانیم از دخترش نگهداری کنیم، او را به ما سپرد. مرد جوان به ماموران گفت: پریا را مدت‌ها بود می‌شناختم. او وضع مالی بدی داشت و بعد از مرگ شوهرش اوضاعش بدتر هم شد. او و

سه مرد که متهم محمد غمخور هستند با کمک دو همدست فراری خود، زن فقیری را با پیشنهاد بی‌شرمانه به قتل رسانده‌اند به ایستگاه محاکمه رسیدند. این زن به خاطر فقر دختر خود را به زوجی سپرده بود تا از او نگهداری کنند. نخستین برگ این جنایت سال گذشته با کشف جسد زنی در شهری آغاز شد. مرد باغدار که کشف جسد را به پلیس خبر داده بود در تحقیقات گفت: من باغدار هستم و چند راس گوسفند هم دارم. چوپانم گوسفندان را برای چرا برده بود که با دیدن جسد این زن در کانال آب هراسان خود را به من رساند و موضوع را خبر داد. من هم راهی محل شده و با دیدن جسد با پلیس تماس گرفتم. جسد در کانال خشکی افتاده و روی آن پتویی انداخته بودند. با بررسی لباس‌های مقتول هویت او به نام پریا شناسایی شد. پریا در همان حوالی زندگی می‌کرد. پزشک جنایی هم با معاینه جسد اعلام کرد، پریا خفه شده است. در ادامه با تحقیقات محلی مشخص شد، پریا